

تبیین سناریوی مطلوب توسعه یکپارچه ناحیه‌ای و راهبردهای بهینه تحقق آن مطالعه موردی: شهرستان مینودشت

محمدرضا پورمحمدی^۱، رسول قربانی^۲ و علی طورانی^۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۴/۱، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۵/۳۰

چکیده

تحقیق حاضر، درصدد تبیین سناریوی مطلوب توسعه یکپارچه ناحیه‌ای و راهبردهای بهینه تحقق آن در شهرستان مینودشت می‌باشد. اولین گام در این تحقیق، شناسایی عوامل موثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی-شهری در شهرستان مینودشت است که در این راستا از روش دلفی و ماتریس اثرات متقاطع (نرم‌افزار میک‌مک) استفاده شد. بدین ترتیب ۲۸ عامل به‌عنوان عوامل کلیدی پیش‌ران شناخته شدند. گام دوم تبیین آینده‌های باورکردنی و محتمل و ساخت سناریو است. در این مرحله ابتدا آینده‌های باورکردنی براساس عوامل پیش‌ران کلیدی، تبیین شد و از درون این آینده‌ها، آینده‌های محتمل مشخص گردید و سپس احتمال تحقق‌پذیری هر یک از وضعیت‌های باورکردنی فوق را در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفت. بر این اساس، وضعیت‌هایی که امتیاز آنها از حد میانگین ($x=3$) بیشتر بود به‌عنوان حالات محتمل یا به‌عبارتی آینده‌های محتمل شناخته شدند که مبنای نگاشت سناریو مطلوب قرار گرفتند. براساس یافته‌های این بخش، محوریت سناریو، توسعه فعالیت‌های گردشگری می‌باشد. جهت انتخاب راهبردهای برتر از مدل سوات و مدل تحلیل سلسه‌مراتبی استفاده شد. یافته‌های این بخش هم نشان می‌دهد راهبردهای تهاجمی بهینه‌ترین راهبرد هستند. همچنین مدل تحلیل سلسه‌مراتبی نشان داد که راهبرد برتر در این میان راهبردهای تهاجمی ارائه شده، مبتنی بر ترکیب و توسعه گونه‌های گردشگری دارای پتانسیل در ناحیه به صورت یک پکیج گردشگری و معرفی و ارائه جاذبه‌ها، امکانات، برنامه‌ها از طریق ظرفیت‌های فضای مجازی می‌باشد.

کلیدواژگان: آینده‌نگاری، سناریو، توسعه یکپارچه ناحیه‌ای، پیوندهای روستایی - شهری، شهرستان مینودشت.

۱. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز، تبریز، Email: pourmohammadi@tabrizu.ac.ir

۲. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز، تبریز، Email: ghorbani.rasoul@gmail.com

۳. نویسنده مسئول؛ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز، تبریز، Email: Ali_toorani20@yahoo.com

مقدمه

شهر و روستا با وجود تفاوت‌های ذاتی ساختاری-کارکردی، اجزای تشکیل‌دهنده نظام یکپارچه فضایی به‌شمار می‌روند. افزایش نابرابری بین شهر و روستا، شهرگرایی شتابان، امنیت غذایی و حاشیه‌نشینی از جمله پدیده‌هایی هستند که سبب توجه خاص کارشناسان و تصمیم‌سازان به نقش و جایگاه روابط تعاملی شهر و روستا و کوشش در راستای دستیابی به راهبردهای توسعه یکپارچه شده‌اند؛ راهبردهایی که عمدتاً متکی بر پویایی روابط شهر و روستا و برقراری پیوندهای روستایی - شهری می‌باشد (رحمانی‌فضلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). در اینجا تأکید بر یکپارچگی به معنای یکسان شمردن دو وضعیت روستا و شهر نیست؛ بلکه به معنای پرهیز از نگاه مجرد و نقطه‌ای و تفکیکی (شهر و روستا) می‌باشد، زیرا قاعدتاً نه فضا و نه توسعه در عرصه‌های عینی قابل تفکیک نیستند و بنابراین پافشاری بر این واقعیت است که در هر گونه ارزیابی و برنامه‌ریزی در عرصه‌های فضایی تعامل شهر و روستا، پیوندهایی میان آنها نباید نادیده انگاشته شود (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۰).

امروزه توسعه نواحی شهری و روستایی به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که بسیاری معتقدند، فهم و تعدیل فرایندهای منجر به توسعه در کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه که در معرض شهرنشینی شتابان و تحولات فضایی شدید در نواحی روستایی قرار دارند، تنها در قالب تأکید بر نحوه و دامنه مناسبات متقابل و تعامل میان عرصه‌های روستایی و شهری قابل درک و چاره‌جویی است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۴). تحقق این مهم نیز مستلزم آن است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با شناخت دقیق از وضعیت گذشته و حال و طراحی سناریوهای آینده، بهترین راهبردها و راهکارها را انتخاب کنند که این امر در عرصه مطالعات ناحیه‌ای و منطقه‌ای به‌شدت نیازمند استفاده از رویکردهای آینده‌نگاری است، زیرا در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، رویکردها و سیاست‌ها، احتمال موفقیت بیشتری جهت معماری آینده دارد (زاللی، ۱۳۹۰: ۴). براین اساس، تحقیق حاضر در چارچوب مطالعات ناحیه‌ای (مطالعه عرصه‌های شهری و روستایی به‌طور توأمان) درصدد تبیین سناریوی مطلوب توسعه یکپارچه ناحیه‌ای و راهبردهای بهینه تحقق آن در شهرستان مینودشت واقع در شرق استان گلستان است.

بررسی و برنامه‌ریزی فضایی، پیوسته بر مبنای مقیاس معین به انجام می‌رسد. از این‌رو، نظام‌های فضایی در مقیاس‌های کلان (جهانی، کشوری و یا منطقه‌ای)، مقیاس متوسط (ناحیه‌ای، محلی، شهری یا روستایی) و مقیاس کوچک (دهکده، مزرعه، محله و...) مورد مطالعه و شناخت قرار می‌گیرد (صدوق و سعیدی، ۱۳۸۵: ۹). براین اساس مقیاس مورد مطالعه در این تحقیق از نوع متوسط و در سطح ناحیه (معادل شهرستان) در نظر گرفته شده است. شهرستان مینودشت طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ دارای ۷۵۶۵۹ نفر جمعیت بوده، که تعداد ۲۸۴۷۸ نفر (۳۷.۶۴ درصد) آن شهری و ۴۷۱۸۱ نفر (۶۲.۳۶ درصد) روستایی می‌باشند (سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۰). ملاحظه می‌گردد هنوز سهم عظیمی از جمعیت این شهرستان، روستانشین می‌باشند؛ در این راستا بسیاری از نیروی کار موردنیاز شهر مینودشت و شهرهای اطراف از روستاهای دور و نزدیک این شهرستان تامین می‌شود و یکی از پررنگ‌ترین و مهم‌ترین وجوه تعاملات روستایی - شهری در این ناحیه، مبادله نیروی کار بین روستاها و شهرها و به‌خصوص حضور نیروی کار روستایی در شهرها است. در این ناحیه بیشترین فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی صورت می‌گیرد که از دیرباز زمینه‌ساز روابط شهر و روستا بوده است. امروزه این فعالیت‌ها و روابط ناشی

از آن، دستخوش تغییرات زیادی شده است. همان‌طور که کشاورزی مکانیزه‌تر و فشرده‌تر شده است، بر حجم مبادلات اقتصادی شهر و روستا افزوده شده است. سهولت دسترسی به نواحی روستایی بواسطه بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل سبب گسترش تعاملات اجتماعی و یا شکل‌گیری الگوهای سکونتی و فعالیتی دو فضایی - هم در شهر و هم در روستا - شده است (به‌عنوان مثال تعداد زیادی از روستاییانی که در دهه‌های اخیر به شهر مهاجرت نموده‌اند جهت اشتغال در بخش کشاورزی ماههایی از سال را در روستاها گذرانده و یا به صورت روزانه در رفت‌وآمد می‌باشند؛ مثال دیگر در این زمینه توسعه گردشگری روستایی و گسترش خانه‌های دوم است). همچنین گسترش رو به افزایش فعالیت‌های مربوط به بخش صنعت و خدمات در ناحیه به این پیچیدگی و درهم‌تنیدگی دامن زده است. ضمن آنکه تعاملات اداری با شهر امروزه بخشی لاینفک زندگی روزمره روستاییان شده است. در نهایت، چنانچه به موضوع‌های فوق تعاملات اجتماعی از جمله الگوهای دید و بازدید و همچنین پیوندها و علقه‌های عاطفی و تعلق خاطرهای مکانی را اضافه کنیم، پیچیدگی و درهم‌تنیدگی فضاهای زندگی شهر و روستایی بیشتر مشهود می‌گردد. در مجموع با توجه به تعاملات و تحولات روزافزون و شتابنده مراکز روستایی و شهری در ناحیه مورد مطالعه، نیاز به طراحی آینده مطلوب و راهبردهایی که منجر به تحقق آن گردد، بیشتر و بیش از پیش آشکار و ضروری گردیده است. بر این اساس تحقیق حاضر با این هدف گام به عرصه تحقیق نهاده است.

مبانی نظری

توسعه یکپارچه ناحیه‌ای به‌عنوان شکل واسط برنامه‌ریزی بین سطوح منطقه‌ای تلقی می‌گردد. هدف از این راهبرد یکپارچه‌شدن کلیه کارکردهای توسعه در سطح ناحیه است (زیاری، ۱۳۸۹: ۷۲ و ۷۳). در زمینه توسعه یکپارچه ناحیه‌ای نظریات و رهیافت‌های مختلفی در دهه‌های اخیر مطرح شده است؛ رهیافت توسعه روستاشهری (ناحیه‌ای) که جان فریدمن بنیانگذار آن است تلاشی در جهت برداشتن تضاد دیرینه شهر و روستا بوده است و نکته قابل توجه و بسیار کلیدی در آن، این است که ناحیه به‌صورت واحدی یکپارچه تلقی گردد. بر اساس این رویکرد توسعه روستایی باید در پیوند با توسعه شهری در سطح محلی دنبال گردد. همچنین این رهیافت بر گسترش و برنامه‌ریزی توسعه براساس عوامل محلی و ناحیه‌ای تأکید دارند به‌صورتی که روستاها و شهرها در ناحیه در یک ارتباط محلی قرار می‌گیرند. در ادامه و در سیر تکاملی این رهیافت، مایک داگلاس راهبرد شبکه منطقه‌ای را ارائه می‌دهد. این راهبرد پیوندهای روستا-شهری و وابستگی‌های مابین آنها را درهم می‌آمیزد و چارچوب سیاستگذاری واحدی برای توسعه و برنامه‌ریزی ارائه می‌دهد (تقی‌زاده و صرافی، ۱۳۸۷: ۸۷). در این نظریه جریان‌های فضایی و تعاملات بخشی بین شهر و روستا به‌شکل پیوندهای روستایی - شهری، نقش بسیار مهمی در توازن شهر و روستا و توسعه یکپارچه ناحیه‌ای دارند و علاوه بر تأمین نیازهای شهری موجب تحولات مثبت اجتماعی و اقتصادی در نواحی روستایی شود (رضوانی و شاهچراغ، ۱۳۹۰: ۱۰۹). بنابراین این پیوندها می‌توانند راه‌حل مناسبی جهت استقرار توسعه متعادل شهری و روستایی باشند (Rokhsarzadeh et al, 2014, 1334). پیوندهای روستایی- شهری به هرگونه ارتباط بین روستا و شهر که منجر به

شکل‌گیری یک جریان گردد، اطلاق می‌شود (Sheng, 2002, 3). به طوری که بانک جهانی^۱ (۲۰۰۶) تأکید می‌نماید که بی‌توجهی به پیوندهای روستایی - شهری به ناکارآمدی‌ها و نابرابری منجر می‌شود؛ گزارش پایش جهانی^۲ (۲۰۱۳) بر اهمیت نقش پیوندهای روستایی - شهری برای کاهش فقر تأکید می‌کند و همچنین سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۳ (۲۰۱۳) رویکرد مشارکت روستایی و شهری را جهت افزایش تولید کالاهای عمومی، دستیابی به مقیاس اقتصادی در خدمات عمومی، توسعه فرصت‌های جدید اقتصادی و ظرفیت‌سازی، بهبود مدیریت و در نظر گرفتن اثرات جانبی منفی و ... کمک می‌کند.

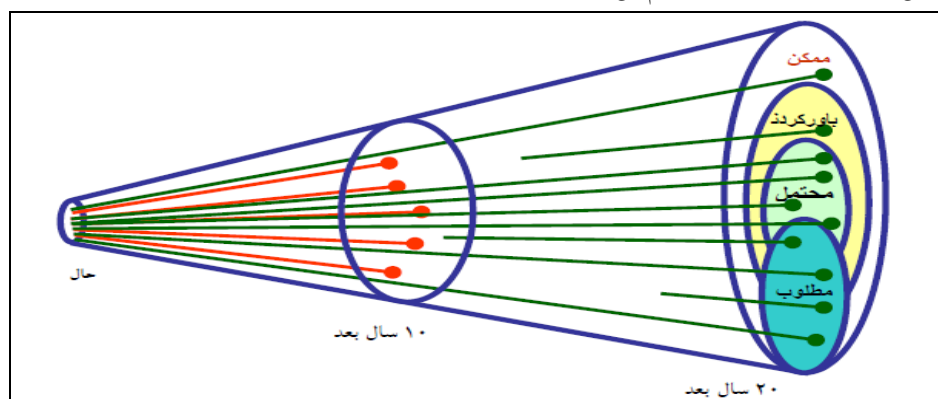
دهه‌های اخیر در پی گسترش حوزه برنامه‌ریزی و ارتقاء ظرفیت‌های علمی و عملی آن شاهد ظهور رویکردهای جدید برنامه‌ریزی فضایی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی بوده‌است (Albrechts et al., 2003: 113). مدل سناریونگاری و یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، از جمله این مدل‌هاست که کاربردهای زیادی در برنامه‌ریزی دارد (زالی، ۱۳۹۰: ۳۵). سناریو، توصیفی از رویدادهای ممکن و چندگانه است که امکان وقوع آنها در آینده وجود دارد و با استفاده از آنها می‌توان درباره آینده و آنچه باید انجام داد، به‌طور جدی اندیشید. سناریونگاری روشی منظم و منطبق است که از آن برای کشف نیروهای پیشران کلیدی در بافت تغییرات شتابان محیط، پیچیدگی‌های فوق‌العاده و عدم قطعیت‌های متعدد استفاده می‌شود. این روش هنگام شناخت محیط پیرامونی، تفکر درباره آینده‌های بدیل و نهایتاً تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مفید است. بنابراین سناریونگاری روشی برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل است؛ سناریونگاری برخلاف برخی روش‌های آینده‌نگاری ادعایی درباره پیش‌بینی قطعی و مطمئن آینده ندارد. این روش با استفاده از اطلاعات موجود و همچنین واقعیت‌های برگرفته از علوم مختلف چندین داستان منطقی و منسجم از جهان آینده تدوین می‌نماید. در واقع سناریونگاری تشریح آینده‌های بدیل هستند (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸). در این راستا اولین مرحله شناسایی عوامل کلیدی می‌باشد؛ گام دوم تبیین آینده‌های ممکن هر عامل کلیدی است؛ گام سوم ترکیب آینده‌های ممکن در سناریوهای مختلف و گام چهارم تحلیل، تبیین و تفسیر این سناریوهاست (فروزنده دهکردی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۲).

در ترسیم سناریوها، سه سطح آینده‌های ممکن، آینده‌های باورکردنی و آینده‌های محتمل ارزیابی می‌شوند: **آینده‌های ممکن (Possible Futures)**: شامل تمامی وضعیت‌های ممکن است که می‌تواند در آینده محقق شود این طیف از آینده‌ها، مجموعه‌ای تصاویری هستند که انسان برای آینده‌اش در نظر دارد و عمدتاً تخیلی و حاصل تصویرپردازی ذهن بشر است. این آینده‌ها، فراتر از دانش و علم بشر امروزی است. **آینده‌های باورکردنی (Plausible Futures)**: شامل مواردی است که براساس دانش فعلی بشر، امکان ظهور آنها در آینده وجود دارد و برخلاف آینده‌های ممکن که متناقض با اصول و دانش فعلی بشر هستند، این آینده‌ها منطبق بر این اصول هستند. آینده‌های باورکردنی، زیرمجموعه‌ای از آینده‌های ممکن می‌باشند.

1. World Bank
2. Global Monitoring Report
3. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

آینده‌های محتمل (Probable Futures): به آینده‌هایی اشاره دارد که احتمالاً تحقق می‌یابند. این آینده‌ها زیرمجموعه‌هایی از آینده‌های باورکردنی هستند.

آینده مطلوب (Perferable Futures): در سناریونویسی برای آینده، ترکیبی از آینده‌های ممکن، محتمل و باورکردنی، به‌عنوان آینده مطلوب ترسیم می‌شود.



شکل ۱. دامنه آینده‌ها در افق برنامه‌ریزی، Lindgren and Hans, 2003,23

روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق سناریونگاری است. اولین گام در این تحقیق شناسایی عوامل موثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری در شهرستان مینودشت است که در این راستا از روش دلفی و ماتریس اثرات متقاطع (نرم‌افزار میک‌مک)^۱ استفاده شد. روش دلفی در این تحقیق با مشارکت ۱۲ نفر از کارشناسان و متخصصین

۱. روش این نرم‌افزار بدین گونه است که ابتدا متغیرها و مولفه‌های مهم در حوزه موردنظر را شناسایی کرده و سپس آنها را در ماتریس اثرات وارد نموده و میزان ارتباط میان این متغیرها با هم توسط خبرگان تشخیص داده می‌شود. متغیرهای موجود در سطرها بر روی متغیرهای موجود در ستون‌ها تاثیر می‌گذارند. بدین ترتیب متغیرهای سطرها، تاثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها، تاثیرپذیر هستند. میزان ارتباط با اعداد صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد صفر به منزله بدون تاثیر، عدد یک به منزله تاثیر کم، عدد دو تاثیر متوسط و عدد سه تاثیر زیاد می‌باشد. بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده n باشد، یک ماتریس $n \times n$ به دست آمده که در آن تاثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است. بر اساس تاثیرگذاری و تاثیرپذیری این متغیرها این نرم‌افزار قادر است به رتبه بندی و استخراج عوامل کلیدی اقدام کند. نحوه پراکنش عوامل بر روی این نمودار گویای آن است که سیستم در چه وضعیتی قرار دارد. آیا سیستم پایدار است یا ناپایدار؟ این فهم اولیه از وضعیت سیستم بر نحوه تحلیل عوامل تاثیرگذار است. در سیستم‌های پایدار پراکنش عوامل به صورت L می‌باشد یعنی برخی عوامل دارای تاثیرگذاری بالا و برخی دارای تاثیرپذیری بالا می‌باشند. بنابراین در سیستم‌های پایدار مجموعاً سه دسته عوامل تاثیرگذار، عوامل تاثیرپذیر و عوامل مستقل مشاهده می‌گردد. در مقابل در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم‌ها عوامل در حول محور قطری بردار و در تمامی صفحه پراکنده‌اند و عوامل در اکثر مواقع حالتی بینابینی دارند. تحلیل این سیستم‌های نسبت به سیستم‌های پایدار پیچیده‌تر است زیرا عوامل بیشتری در این سیستم‌ها دخیل می‌باشد. این عوامل در مجموع به پنج دسته تقسیم می‌شوند که در ذیل تشریح می‌گردند: ۱. عوامل تعیین‌کننده یا تاثیرگذار؛ ۲. عوامل دوجبه که خود دارای دو زیرمجموعه عوامل ریسک و هدف تقسیم می‌شود؛ ۳. عوامل تاثیرپذیر یا نتیجه سیستم؛ ۴. عوامل مستقل که خود به دو بخش عوامل گسسته و عوامل اهرمی ثانویه تقسیم می‌شود؛ ۵. عوامل تنظیمی (Godet, 2003,18- 22).

استفاده گردید. این دلفی در دو دور انجام شد و نتایج حاصل از آن که گویایی عوامل موثر بر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری بود، جهت تشکیل ماتریس اثرات متقاطع استفاده گردید. ماتریس اثرات متقابل تشکیل شده در این تحقیق با مشارکت ۵۰ نفر از دانشجویان، دانش‌آموختگان و یا کارشناسان و مدیران اجرایی شهرستان مینودشت تکمیل شد. در جهت بالا رفتن دقت و صحت اطلاعات جمع‌آوری شده از هر کارشناس و یا مدیر درخواست شد در حوزه مرتبط با تخصص خود پاسخ دهد. سپس نتایج حاصل از این ماتریس در نرم‌افزار میک‌مک قرار داده شد و بر مبنای آن تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری انجام شد. دومین گام در این تحقیق تبیین آینده‌های باورکردنی و محتمل و ساخت سناریو است. در این مرحله ابتدا آینده‌های باورکردنی براساس عوامل پیشران کلیدی تبیین شده و سپس از درون این آینده‌ها، آینده‌های محتمل مشخص گردید. جهت تبیین آینده‌های محتمل از متخصصانی که در مرحله ارزیابی اثرات متقابل عوامل مشارکت داشتند درخواست شد احتمال تحقق‌پذیری هر یک از وضعیت‌های باورکردنی فوق را در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد سنجش قرار دهند؛ براین اساس وضعیت‌هایی که امتیاز آنها از حد میانگین ($x=3$) بیشتر شود به عنوان حالات محتمل یا به عبارتی آینده‌های محتمل شناخته می‌گردند. سپس جهت انتخاب راهبردهای برتر از مدل سوات و مدل تحلیل سلسه مراتبی استفاده شد.

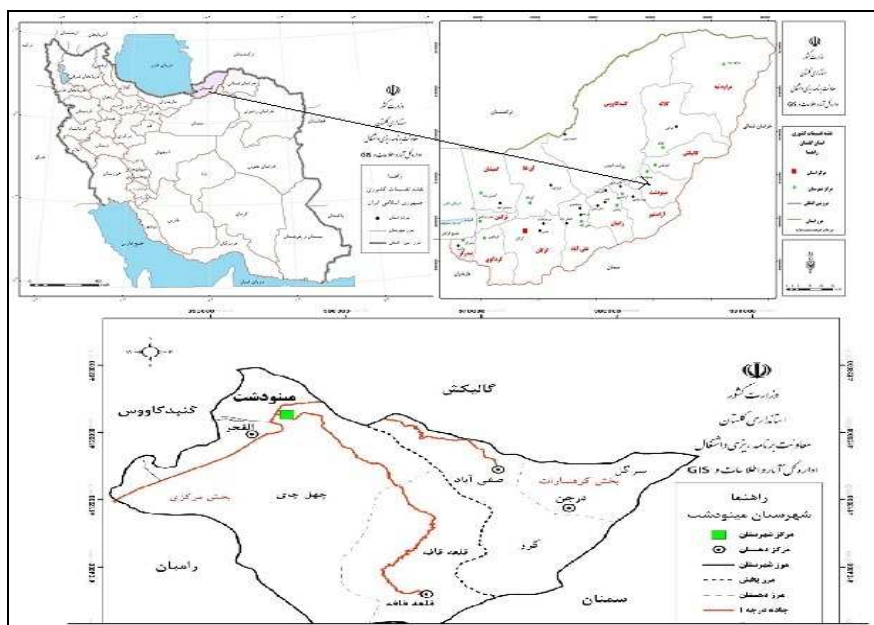
معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان مینودشت با ۲۵۷/۱۵۷۶ کیلومترمربع مساحت در شرق استان گلستان واقع شده و فاصله این شهرستان با مرکز استان (گرگان) ۱۱۶ کیلومتر است. این شهرستان دارای ۲ بخش (مرکزی و کوهسارات)، ۱ شهر و ۴ دهستان (چهل‌چای، قلعه قافه، سرگل و گرو) و ۷۲ روستا می‌باشد. مرکز بخش مرکزی شهر مینودشت و مرکز بخش کوهسارات روستای دوزین می‌باشد. همچنین روستاهای القجر، قلعه قافه، صفی‌آباد و درجن به ترتیب مرکز دهستان‌های چهل‌چای، قلعه قافه، گرو و سرگل هستند.

یافته‌های تحقیق

شناسایی و تحلیل عوامل موثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری

جهت شناسایی این عوامل، از روش دلفی استفاده شد. نتایج به دست آمده گویای ۵۴ عامل به عنوان عوامل موثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری می‌باشد که در قالب ۹ بخش اصلی گنجانده شده‌اند. همانطور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود، ۱۱ عامل در بخش کشاورزی، ۴ عامل در بخش صنعت، ۱۳ عامل در بخش خدمات، ۴ عامل در بخش نیروی انسانی، ۴ عامل در بخش زیربنایی، ۳ عامل در بخش آموزشی، ۵ عامل در بخش اجتماعی، ۴ عامل در بخش منابع طبیعی و ۶ عامل در بخش مدیریت و برنامه‌ریزی قرار گرفته‌اند.



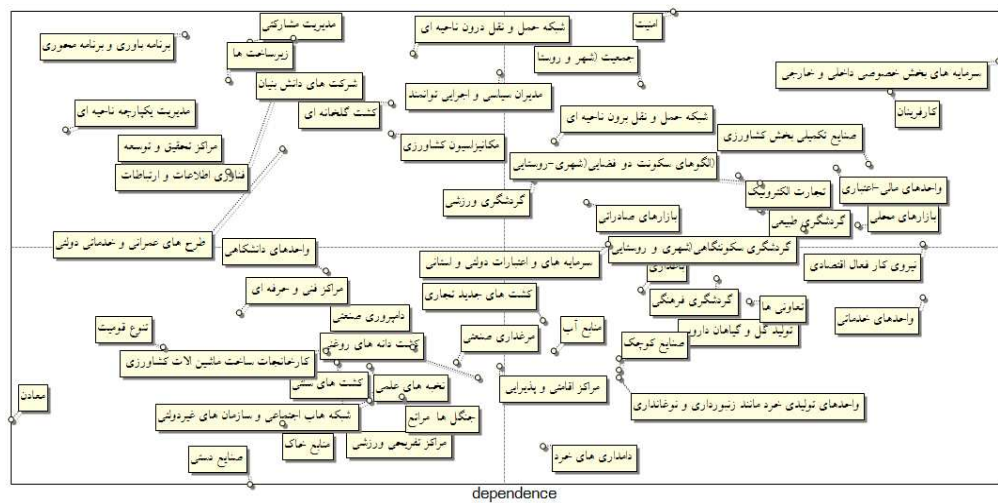
نقشه ۱. موقعیت شهرستان مینودشت در استان گلستان

جدول ۱. عوامل موثر در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید پیوندهای روستایی - شهری

بخش	عوامل
کشاورزی	کشت‌های سنتی مانند گندم، جو و برنج، کشت‌های جدید تجاری مانند کشت زعفران، کشت دانه‌های روغنی، کشت گلخانه‌ای، باغداری، دامداری‌های خانگی، دامپروری صنعتی، واحدهای صنعتی مرغداری، تولید گل و گیاهان دارویی، واحدهای تولیدی خرد مانند زنبورداری و نوغانداری، مکانیزاسیون کشاورزی
صنعت	صنایع تبدیلی کشاورزی، کارخانجات ساخت ماشین‌آلات کشاورزی، صنایع کوچک، صنایع دستی
خدمات	گردشگری طبیعت‌گرا، گردشگری فرهنگی، گردشگری ورزشی، گردشگری سکونتگاهی، واحدهای خدماتی نظیر مراکز بیمه، کلینیک‌ها، تعمیرگاهها، کارواش‌ها، آژانس‌ها و ... در شهرها و روستاهای بزرگ، واحدهای بانکی و مالی مانند بانک‌ها و موسسات قرض‌الحسنه، مراکز تفریحی ورزشی (مانند کارتینگ، پینت بال، تله کابین و ...)، مراکز اقامتی و پذیرایی، بازارهای محلی، بازارهای صادراتی، تعاونی‌ها، شرکت‌های دانش بنیان، تجارت الکترونیک
نیروی انسانی	مدیران سیاسی و اجرایی، نخبه‌های علمی، کارآفرینان، نیروی کار فعال اقتصادی
امکانات و تسهیلات زیربنایی	فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه حمل و نقل درون ناحیه‌ای، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، زیرساخت‌ها
آموزش و تحقیقات	واحدهای دانشگاهی و آموزشی، مراکز تحقیق و توسعه، مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای
اجتماع	امنیت، میزان جمعیت (شهری و روستایی)، تنوع قومیت‌ها، NGO ها و شبکه‌های اجتماعی، الگوهای سکونت (تک یا دو فضای)
منابع طبیعی	جنگل‌ها و مراتع، معادن، منابع آب، منابع خاک
مدیریت و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای	برنامه باوری و برنامه محوری، مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، مدیریت مشارکتی، طرح‌های عمرانی و خدمات‌رسانی، سرمایه‌های بخش خصوصی داخلی و خارجی، سرمایه‌های و اعتبارات کشوری و استانی

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

جهت تحلیل عوامل دخیل در توسعه ناحیه‌ای ماتریس اثرات متقاطع استفاده شد. همان‌طور که ذکر شد تعداد عوامل شناسایی شده در زمینه توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری ۵۴ عامل می‌باشد. بنابراین ابعاد ماتریس ۵۴×۵۴ می‌باشد که به کمک نرم‌افزار میک‌مک مورد تحلیل قرار گرفت. در این ماتریس تعداد تکرار عدد صفر ۳۱.۷۲۹۲۵ درصد) مورد می‌باشد که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه در این موارد بوده است؛ تعداد تکرار عدد یک ۴۵۶ (۱۵.۶۴ درصد) مورد می‌باشد که گویای رابطه ضعیف این عوامل با هم است؛ تعداد تکرار عدد دو ۷۶۲ (۲۶.۱۳ درصد) مورد می‌باشد که گویای رابطه متوسط این عوامل با هم است و در نهایت، و تعداد تکرار عدد سه ۷۷۳ (۲۶.۵۱ درصد) مورد می‌باشد که گویای روابط قوی بین این عوامل می‌باشد. جهت تحلیل ماتریس اثرات متقاطع ابتدا می‌بایست درک کلی از وضعیت پایداری و ناپایداری سیستم به دست آورد. همان‌طور که اشاره شد پراکنش عوامل بر روی نمودار خروجی نرم‌افزار میک‌مک نشان‌دهنده این موضوع است؛ چنانچه پراکنش عوامل به صورت L باشد سیستم پایدار است و در غیر این صورت، سیستم ناپایدار می‌باشد. نمودار ۱ تاثیرگذاری و تاثیرپذیری عوامل مورد مطالعه در این تحقیق را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود پراکنش عوامل در این نمودار به صورت صفحه‌ای بوده که گویای حالت ناپایدار سیستم است.



نمودار ۱. پراکنش عوامل بر روی نمودار تاثیرگذاری - تاثیرپذیری عوامل مورد مطالعه

بر اساس خروجی نرم‌افزار میک‌مک عوامل مورد مطالعه را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود.

۱. عوامل تعیین‌کننده یا تاثیرگذار

این عوامل بیشتر تاثیرگذار و کمتر تاثیرپذیرند؛ عوامل تعیین‌کننده و یا تاثیرگذار در بهترین حالات یعنی در سیستم‌های پایدار در قسمت شمال‌غربی نمودار نمایش داده می‌شوند و در سیستم‌های ناپایدار در حواشی این قسمت به سمت شرق و یا جنوب‌شرق تمایل پیدا می‌نمایند. تغییرات مطلوب سیستم بیشتر به این عوامل بستگی دارد؛ از این رو کنترل و هدایت این عوامل بسیار مهم است. این عوامل، به‌عنوان عوامل ورودی به سیستم تلقی می‌شوند و

می‌توانند منجر به تغییر در کل سیستم گردند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل دوازده عامل مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه باوری و برنامه محوری، مدیریت مشارکتی، شرکت‌های دانش‌بنیان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، طرح‌های عمرانی و خدماتی دولتی، مراکز تحقیق و توسعه، کشت گلخانه‌ای، مکانیزاسیون، زیرساخت‌ها، شبکه حمل و نقل ناحیه‌ای و مدیران اجرایی توانمند می‌باشد.

۲. عوامل دوجهی

این عوامل، همزمان به صورت بسیار تاثیرگذار و بسیار تاثیرپذیر عمل می‌نمایند و عمدتاً در قسمت شمال شرقی نمودار قرار می‌گیرند. طبیعت این عوامل با ناپایداری آمیخته است زیرا هر عمل و تغییری بر روی آنها، واکنش و تغییری را بر روی سایر عوامل در پی خواهد داشت. بنابراین از حساسیت بالایی برخوردارند و نیازمند نظارت و کنترل مداوم می‌باشند. این عوامل شامل شانزده عامل امنیت، کارآفرینان، جمعیت، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، سرمایه‌های بخش خصوصی، واحدهای مالی، صنایع تکمیلی، الگوهای سکونت، گردشگری طبیعی، گردشگری سکونتگاهی، گردشگری ورزشی، سرمایه‌ها و اعتبارات دولتی و استانی، بازارهای محلی و نیروی کار فعال اقتصادی می‌گردد. این عوامل خود به دو دسته عوامل ریسک و هدف تقسیم می‌شوند که در ذیل هر دو مورد تشریح می‌گردد:

۱-۲. عوامل دوجهی از نوع ریسک

این عوامل در حول و حوش خط قطری ناحیه شمال شرقی قرار دارند و ظرفیت بسیار بالایی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم را دارند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل چهار عامل: بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، کارآفرینان، گردشگری ورزشی و سرمایه‌های بخش خصوصی می‌گردد.

۲-۲. عوامل دوجهی از نوع هدف

این متغیرها در زیر خط قطری ناحیه شمال شرقی واقع شده‌اند و بیش از آنکه تاثیرگذار باشند، تاثیرپذیرند. بنابراین آنها را می‌توان به عنوان نتایج تکامل سیستم معرفی نمود. با هدایت این عوامل می‌توان به تغییرات و تکامل مورد نظر سیستم نزدیک شد. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل هفت عامل: گردشگری طبیعت‌گرا، گردشگری سکونتگاهی (شهری و روستایی)، صنایع تبدیلی مربوط به بخش کشاورزی، بازارهای محلی، الگوهای سکونت دوفضایی، واحدهای بانکی و مالی و در نهایت، نیروی کار فعال اقتصادی می‌گردد.

۳. عوامل مستقل یا مستثنی

این عوامل دارای تاثیرگذاری و تاثیرپذیری پایین هستند. آنها در قسمت جنوب غربی نمودار قرار می‌گیرند و دارای کمترین ارتباط با سیستم می‌باشند. این عوامل عمدتاً نه باعث توقف یک عامل می‌شوند و نه باعث تکامل آن می‌گردند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل پانزده عامل می‌گردد که عبارتند از: کشت دانه‌های روغنی، جنگل‌ها

مراکز، شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی، کشت‌های سنتی، مرغداری، دامداری‌های صنعتی، صنایع دستی، منابع خاک، کارخانجات ساخت ماشین‌آلات کشاورزی، نخبه‌های علمی، مراکز تفریحی و ورزشی، معادن، تنوع قومیت، مراکز فنی و حرفه‌ای و واحدهای دانشگاهی.

در میان عوامل مستقل می‌بایست به دو دسته از عوامل توجه کرد: ۱. عوامل اهرمی ثانویه و ۲. عوامل گسسته.

۱-۳. عوامل ثانویه اهرمی

این عوامل با آنکه مستقل‌اند، بیش از آنکه تاثیرپذیر باشند، تاثیرگذارند. این عوامل در بالای خط قطری جنوب‌غربی نمودار قرار دارند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل پنج عامل واحدهای دانشگاهی، مراکز فنی و حرفه‌ای، نخبه‌های علمی، تنوع قومیت‌ها و معادن می‌گردد.

۲-۳. عوامل گسسته

این عوامل در نزدیکی مبدا مختصات در نمودار قرار دارند. تکامل این عوامل ارتباطی به سیستم مورد بررسی نداشته و بنابراین می‌توان آنها را از سیستم خارج نمود.

۴. عوامل تاثیرپذیر یا نتیجه

این عوامل تاثیرگذاری پایین و تاثیرپذیری بسیار بالایی دارند. بنابراین این عوامل نسبت به تغییر و تکامل عوامل تاثیرپذیر و دوجهی بسیار حساس و وابسته هستند. این عوامل در بهترین حالت یعنی در سیستم‌های پایدار در ناحیه جنوب‌شرقی نمودار قرار می‌گیرند، اما در سیستم‌های ناپایدار بیشتر به سمت غرب و شمال‌غرب متمایل می‌گردند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه شامل یازده عامل واحدهای خدماتی، تعاونی‌ها، باغداری، گردشگری فرهنگی، منابع آب، تولید گل و گیاه، صنایع و کارگاههای کوچک، واحدهای تولید خرد، دامداری خانگی، کشت‌های جدید و مراکز اقامتی و پذیرایی می‌گردد.

۵. عوامل تنظیمی

عوامل تنظیمی که در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار می‌گیرند، می‌توانند به تناوب به‌عنوان عوامل اهرمی ثانویه، عوامل ریسک ثانویه و یا عوامل هدف ضعیف عمل نمایند. این عوامل در سیستم مورد مطالعه وجود ندارد.

انتخاب عوامل کلیدی پیشران در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری

شایان ذکر است عوامل کلیدی پیشران عواملی هستند که در پیش بردن سیستم به سمت تغییرات موردنظر (در این تحقیق تغییر موردنظر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری می‌باشد) موثر هستند. بر اساس جدول شماره ۲، سه دسته عوامل تاثیرپذیر و مستقل و تنظیمی فاقد این ویژگی می‌باشند و در واقع عوامل کلیدی پیشران شامل عوامل تاثیرگذار و دو وجهی می‌گردد که در جدول ذیل نشان داده می‌شوند.

جدول ۲. عوامل کلیدی پیشران در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری

عوامل	موارد
تاثیر گذار	مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه باوری و برنامه محوری، مدیریت مشارکتی، شرکت‌های دانش‌بنیان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، طرح‌های عمرانی و خدماتی دولتی، مراکز تحقیق و توسعه، کشت گلخانه‌ای، مکانیزاسیون، زیرساخت‌ها، شبکه حمل و نقل ناحیه‌ای، مدیران اجرایی
دووجهی	امنیت، کارآفرینان، جمعیت، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، سرمایه‌های بخش خصوصی، سرمایه و اعتبارات دولتی، واحدهای بانکی و مالی، صنایع تکمیلی، الگوهای سکونت، گردشگری طبیعی، گردشگری ورزشی، گردشگری سکونتگاهی، بازارهای محلی و نیروی کار فعال اقتصادی

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

تبیین وضعیت‌های گوناگون عوامل کلیدی پیشران

همانطور که در بخش قبل مشخص گردید از مجموع ۵۴ عامل مورد مطالعه ۲۸ عامل به‌عنوان عوامل کلیدی پیشران در فرایند توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری شناسایی شدند که وضعیت‌های مختلف این عوامل در واقع شکل‌دهنده سناریوهای آینده موردنظر است. این وضعیت‌ها در واقع آینده‌های باورکردنی هستند. آینده‌های باورکردنی (Plausible Futures) شامل مواردی است که بر اساس دانش فعلی بشر، امکان ظهور آنها در آینده وجود دارد. در ادامه نیز آینده‌های محتمل تبیین شدند. جهت تبیین آینده‌های محتمل از متخصصانی که در مرحله ارزیابی اثرات متقابل عوامل مشارکت داشتند درخواست شد احتمال تحقق‌پذیری هر یک از وضعیت‌های باورکردنی فوق را در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد سنجش قرار دهند؛ براین اساس وضعیت‌های احتمالی که امتیاز آنها از حد میانگین ($x=3$) بیشتر گردد، به‌عنوان حالات محتمل یا به‌عبارتی آینده‌های محتمل شناخته شده و وارد مرحله بعد (سناریوسازی) می‌گردند و وضعیت‌هایی که امتیاز آنها از حد میانگین کمتر است حذف می‌گردند.

ارائه سناریوها محتمل مطلوب

بر اساس جدول تبیین وضعیت‌های مطلوب عوامل کلیدی پیشران به نگارش سناریو به شرح ذیل اقدام شد: «در افق ۱۴۰۴ ناحیه مینودشت با توجه به برخورداری از مدیران اجرایی، توانمند، منتخب و مورد اعتماد مردم، متخصص، متعهد، خلاق و البته بومی با برنامه‌ریزی و اقدامات هدفمند و در سایه امنیت فراگیر و پایدار و با عنایت به فراهم بودن امکانات برخورداری و استفاده آسان و باکیفیت از فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره‌مندی از تجارت الکترونیک به‌صورت گسترده، سرمایه‌های بخش خصوصی به‌سهولت و با اطمینان جذب ناحیه می‌گردند و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمام ناحیه را مستعد سرمایه‌گذاری می‌بینند. بدین ترتیب در زمینه گردشگری محیط مناسبی جهت سرمایه‌گذاری مهیا بوده و سرمایه‌گذاران تمایل بالایی جهت سرمایه‌گذاری در این زمینه دارند؛ از طرف دیگر سرتاسر ناحیه به لحاظ زیرساخت‌های جاده‌ای، تاسیسات زیربنایی (نظیر آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت و ...)،

جدول ۳. تبیین وضعیت‌های مطلوب عوامل کلیدی پیشران (آینده‌های باورکردنی و محتمل)

احتمال وقوع	مطلوب‌ترین وضعیت	عامل
۲۰۰۸	هم به لحاظ ساختار و هم به لحاظ کارکرد یکپارچه می‌باشد	مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای (A)
۲۰۴۲	تفکر راهبردی وجود دارد و برنامه مبنای عمل می‌باشد	برنامه باوری و برنامه محوری (B)
۲۰۳۸	مشارکت کامل تمام عناصر و ذینفعان در فرایند مدیریت	مدیریت مشارکتی (C)
۲۰۳۴	رشد کمی و کیفی شرکت‌های دانش بنیان فعال	شرکت‌های دانش بنیان (D)
۳۰۲	امکان برخورداری و استفاده، دسترسی آسان و با کیفیت	فناوری اطلاعات و ارتباطات (E)
۲۰۳	طرح‌های عمرانی و خدماتی متعدد کارشناسی شده در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، محیطی توسط دولت هم در شهر و هم در نواحی روستایی در حال اجرا می‌باشد	طرح‌های عمرانی و خدماتی دولتی (F)
۲۰۰۴	تحقیق و توسعه فراگیر، قطب تحقیق و توسعه استان، دارای بزرگترین پارک علم و فناوری استان، تحقیق توسعه کاملا با بخش های اقتصادی پیوند دارد	مراکز تحقیق و توسعه (G)
۱۰۸	به صورت فراگیر و یکی از قطب اصلی تولید گلخانه‌های کشور با قابلیت صادراتی در یک یا چند محصول خاص	کشت گلخانه‌ای (H)
۲۰۳۲	مکانیزاسیون کشاورزی در همه سطوح مطابق با بالاترین استانداردهای موجود در جهان	مکانیزاسیون کشاورزی (I)
۳۰۲	توسعه یافته به لحاظ کمیت و کیفیت و بدین امکان دسترسی آسان و ایمن به تمامی نقاط ناحیه فراهم است	شبکه حمل و نقل درون ناحیه‌ای (J)
۳۰۰۴	سرتاسر ناحیه به لحاظ زیرساخت‌های جاده‌ای، تاسیسات زیربنایی (نظیر آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت و ...)، پمپ‌های بزمین و گاز، شعب نفت و ... از وضعیت مناسبی برخوردارند و هیچ کمبودی وجود ندارد	زیرساخت‌ها
۳۰۳	دارای تحصیلات بالا، توانمند، منتخب و مورد اعتماد مردم، متخصص، متعهد، خلاق و بومی	مدیران اجرایی (K)
۳۰۶۶	فراگیر و پایادار	امنیت (L)
۲۰۲۴	بسترهای کارآفرینی در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... برای کارآفرینان فراهم است	کارآفرینان (M)
۲۰۵۶	حفظ روند موجود (جمعیت روستایی ۶۴ درصد است)	جمعیت روستایی و شهری (N)
۳۰۲۲	اتصال به خطوط هوایی و ریلی، تقویت و تجهیز ناوگان حمل و نقل عمومی	شبکه حمل و نقل بیرون ناحیه‌ای (O)
۱۰۸۴	حضور مستمر بازارهای صادراتی و کسب سهم بازار	بازارهای صادراتی (P)
۳۰۶۲	گسترده و آسان	تجارت الکترونیک (Q)
۳۰۰۲	تمایل بالای بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری، سرمایه‌های بخش خصوصی به سهولت و با اطمینان جذب ناحیه می‌گردند و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمام ناحیه را مستعد سرمایه‌گذاری می‌بینند	سرمایه‌های بخش خصوصی (R)
۲۰۳۶	عادلانه و به اندازه کافی و بدون تاخیر و به‌طور منظم تخصیص و پرداخت می‌گردد و نقش قابل توجهی در فرایند توسعه دارد	سرمایه و اعتبارات دولتی (S)
۲۰۰۴	متعدد و متنوع با توان مالی بالا و قابل دسترسی در تمامی ناحیه و با کیفیت بالای خدماتی	واحدهای بانکی و مالی (T)
۲۰۳۸	تعداد زیاد این واحدها و شاغلین آن چشم‌انداز ناحیه را متاثر نموده است، از روند توسعه‌ای بسیار سریعی برخوردار بوده و در پیوند کامل با تولیدات کشاورزی ناحیه است	صنایع تکمیلی (U)
۲۰۹۶	الگوی سکونت دو یا دو فضایی (سکونت هم در شهر هم در روستا) در حال گسترش است	الگوهای سکونت (V)
۳۰۱۲	بسترهای گردشگری فراهم است، چندین سایت فعال در ناحیه موجود است و مدیران گردشگری ناحیه با برنامه در حال جذب گردشگران در سطح استان و یا مسافران بین راهی می‌باشند و ناحیه به عنوان مقصد اول گردشگری در شرق استان مطرح است	گردشگری طبیعی (W)
۳۰۶	قطب اول گردشگری ورزش‌های هوایی کشور دارای پتانسیل جذب گردشگران خارجی، دارای بیش از ۱۰ سایت فعال و استاندارد، این ناحیه با برنامه ریزی و اقدامات هدفمند به برند گردشگری ورزش‌های هوایی مبدل شده است	گردشگری ورزشی (AA)
۳۰۰۴	گردشگری شهری و روستایی بسیار فعال است و باعث رونق اقتصادی ناحیه شده است	گردشگری سکونتگاهی (X)
۱۰۹	فعال با گردش مالی و کالایی بسیار زیاد و پاسخگو به تمامی احتیاجات ساکنین ناحیه و حتی نواحی اطراف	بازارهای محلی (Y)
۱۰۱	نرخ بیکاری در ناحیه از همه شهرهای استان پایین‌تر است و به کمتر از ۷ درصد رسیده است	نیروی کار فعال اقتصادی (Z)

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

پمپ‌های بنزین و گاز، شعب نفت و ... از وضعیت مناسبی برخوردارند و کمبودی وجود ندارد. شبکه حمل‌ونقل درون ناحیه‌ای به لحاظ کمیت و کیفیت توسعه یافته و بدین امکان دسترسی آسان و ایمن به تمامی نقاط ناحیه فراهم شده است؛ در بعد حمل و نقل برون ناحیه‌ای با آغاز به کار فرودگاه کلاله در مجاورت این ناحیه و امتدادیافتن خطوط راه‌آهن استان به این ناحیه امکان اتصال شهرستان مینودشت به خطوط هوایی و ریلی در کنار ناوگان حمل‌ونقل زمینی فراهم گردیده است که به سهولت آمدوشد گردشگران کمک نموده است. بسترهای توسعه گردشگری طبیعی در ناحیه فراهم است، چندین سایت فعال در ناحیه موجود است که جاذب گردشگران در سطح استان و مسافران بین راهی می‌باشند و بدین ترتیب این ناحیه به عنوان مقصد اول گردشگری در شرق استان مطرح است؛ در این راستا گردشگری شهری و روستایی نیز بسیار فعال شده است و باعث رونق اقتصادی ناحیه شده است؛ همچنین ناحیه مینودشت قطب اول گردشگری ورزش‌های هوایی کشور می‌باشد که با بیش از ۱۰ سایت فعال و استاندارد بین‌المللی دارای پتانسیل جذب مداوم گردشگران داخلی و خارجی و برگزاری رویدادها و جشنواره‌های بزرگ گردشگری ورزش‌های هوایی می‌باشد. در نهایت، با توجه به آنکه بسیاری از سایت‌های گردشگری فعال این شهرستان از جمله سایت‌های گردشگری طبیعی تنگه، باقرآباد، گرو و همچنین سایت‌های بین‌المللی گردشگری ورزشی مانند ترسه و دروک در نواحی روستایی قرار دارد گردشگری توانسته است پیوندهای روستایی - شهری دوسویه و مکملی در ناحیه مینودشت بوجود آورد که در نهایت به توسعه یکپارچه ناحیه‌ای منجر گردیده است».

تعیین راهبرد برتر در جهت تحقق سناریو مطلوب

جهت تعیین راهبرد برتر در جهت تحقق سناریو مطلوب از مدل سوات استفاده می‌شود، بدین ترتیب ابتدا ضعف‌ها و قوت‌ها در محیط درونی ناحیه و سپس فرصت‌ها و تهدیدها در محیط بیرونی ناحیه بررسی و مطالعه قرار گرفت و راهبردهای بهینه و برتر مشخص گردید؛ عوامل تاثیرگذار در قالب دو گروه عوامل تاثیرگذار داخلی شامل ضعف‌ها و قوت‌ها و همچنین عوامل تاثیرگذار بیرونی شامل فرصت‌ها و تهدیدها گنجانده شد. ضریب اهمیت و ارزیابی این عوامل توسط ۱۲ تن از کارشناسان و متخصصان بومی ناحیه مورد مطالعه-کارشناسان مرحله دلفی- تعیین شد. این ضریب در امتیاز حاصل از ارزیابی وضعیت هر یک از عوامل ضرب می‌گردد که در نهایت امتیاز وزنی عامل‌ها حاصل می‌شود. بررسی ماتریس عوامل درونی نشان می‌دهد که در منطقه مورد مطالعه ۱۸ عامل قوت و ۱۷ عامل ضعف عمده وجود دارد و بنابراین، مجموع عوامل داخلی ۳۵ مورد است. در این راستا امتیاز نهایی به دست آمده برای مجموع عوامل ۲۰۷۷۴ می‌باشد که گویای شرایط استیلای قوت‌ها بر ضعف‌ها است. در این راستا در بین قوت‌ها به ترتیب سه عامل وجود چندین سایت ملی و بین‌المللی گردشگری ورزش‌های هوایی، برگزاری منظم جشنواره‌ها و مسابقات پاراگلایدر و برخورداری از تفرجگاه‌های جنگلی مانند تنگه و باقرآباد و همچنین در بین ضعف‌ها سه عامل تمایل اندک بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش توریسم، کمبود بودجه و سرمایه‌گذاری‌های دولتی و عدم باور جدی مسئولان به پتانسیل‌های گردشگری ناحیه دارای بیشترین امتیاز و حائز رتبه اول تا سوم هستند.

جدول ۴. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی موثر در زمینه انتخاب راهبرد برتر برای سناریوی مطلوب

رتبه	امتیاز وزنی	امتیاز	ضریب اهمیت	عوامل داخلی	
۸	۰.۱۰۲	۳.۴	۰.۰۳	موقعیت طبیعی شهرستان (برخورداری از دشت و کوهپایه و کوهستان)	S1
۳	۰.۱۴۹	۳.۷۲	۰.۰۴	پوشش مترکم جنگلی و برخورداری از تفرجگاههای جنگلی مانند تنگه و باقرآباد	S2
۱۴	۰.۰۶۸	۳.۳۸	۰.۰۲	تنوع گیاهی و جانوری	S3
۱۲	۰.۰۷۶	۳.۸	۰.۰۲	برخورداری از مراتع و رودخانه و چشمه‌های فراوان	S4
۱۳	۰.۰۷۲	۳.۵۸	۰.۰۲	چشم‌اندازهای کشاورزی متنوع	S5
۱۶	۰.۰۶۴	۳.۲	۰.۰۲	وجود دو تپه مشرف به شهر	S6
۱۷	۰.۰۶۳	۳.۱۴	۰.۰۲	برخورداری از صنایع دستی بویژه در زمینه ابریشم‌بافی	S7
۱۸	۰.۰۵۷	۲.۸۶	۰.۰۲	تنوع قومیتی و زبانی	S8
۶	۰.۱۱۲	۳.۷۲	۰.۰۳	وجود روستاهای متعدد و چندین روستای هدف گردشگری	S9
۱۰	۰.۰۹۱	۳.۰۴	۰.۰۳	برخورداری از سطح بالای امنیت	S10
۱۱	۰.۰۹۰	۳	۰.۰۳	برخورداری از تسهیلات مناسب اقامتی و پذیرایی (به عنوان مثال هتل قصر دومین هتل بزرگ شرق استان می‌باشد)	S11
۱۵	۰.۰۶۶	۳.۳	۰.۰۲	برخورداری از امکانات حمل و نقل سریع در شهر مینودشت و حومه آن	S12
۹	۰.۱۰۱	۳.۳۶	۰.۰۳	وجود امکانات زیربنایی از قبیل آب، برق، گاز و تلفن در سطح تمام ناحیه	S13
۱	۰.۱۵۵	۳.۸۸	۰.۰۴	وجود چندین سایت ملی و بین‌المللی گردشگری ورزش‌های هوایی	S14
۲	۰.۱۵۰	۳.۷۴	۰.۰۴	برگزاری منظم جشنواره‌ها و مسابقات پاراگلایدر	S15
۵	۰.۱۳۷	۳.۴۲	۰.۰۴	وجود ورزشکاران و مربیان مجرب و صاحب عنوان در رشته پاراگلایدر	S16
۴	۰.۱۴۵	۳.۶۲	۰.۰۴	وجود چندین سایت مناسب ورزش‌های هوایی جهت مسابقه و آموزش	S17
۷	۰.۱۰۶	۳.۵۲	۰.۰۳	پوشش کامل تلفن همراه در سطح ناحیه	S18
۵	۰.۰۶۸	۲.۲۶	۰.۰۳	عدم پوشش کامل اینترنت در سطح ناحیه	W1
۸	۰.۰۶۱	۲.۰۲	۰.۰۳	عدم برخورداری از چشم‌انداز، برنامه و طرح مشخص در زمینه توسعه گردشگری	W2
۹	۰.۰۵۹	۱.۹۸	۰.۰۳	وجود اختلافات و تنش‌های سیاسی بین مدیران محلی	W3
۳	۰.۰۷۳	۲.۴۴	۰.۰۳	عدم باور جدی مسئولان به پتانسیل‌های گردشگری ناحیه	W4
۱۳	۰.۰۴۲	۲.۰۸	۰.۰۲	سطح پایین اطلاع‌رسانی و تبلیغات در مورد جاذبه‌های گردشگری ناحیه	W5
۱	۰.۰۸۸	۲.۲	۰.۰۴	تمایل اندک بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش توریسم	W6
۲	۰.۰۷۹	۱.۹۸	۰.۰۴	کمبود بودجه و سرمایه‌گذاری‌های دولتی	W7
۴	۰.۰۷	۲.۳۲	۰.۰۳	عدم آموزش جامعه میزبان در زمینه نحوه رفتار و تعامل با گردشگران	W8
۱۴	۰.۰۴	۱.۹۸	۰.۰۲	امکانات حمل و نقل ضعیف در نواحی روستایی دور از شهر	W9
۶	۰.۰۶۸	۲.۲۸	۰.۰۳	پایین بودن کیفیت راههای ارتباطی در نواحی روستایی دور از مرکز	W10
۱۲	۰.۰۴۳	۲.۱۶	۰.۰۲	کیفیت پایین حمل و نقل برون ناحیه‌ای	W11
۱۱	۰.۰۵۲	۱.۷۴	۰.۰۳	کمبود آژانس‌ها و تورهای گردشگری	W12
۱۵	۰.۰۴	۲.۰۲	۰.۰۲	کمبود مراکز تفریحی در ناحیه	W13
۱۶	۰.۰۳۷	۱.۲۲	۰.۰۳	کمبود امکانات رفاهی در تفرجگاهها مانند نمازخانه و سرویس‌های بهداشتی	W14
۱۷	۰.۰۳۴	۱.۷۲	۰.۰۲	عدم استفاده از ظرفیت‌های شهرسازی در معرفی جاذبه‌های و پتانسیل‌های گردشگری شهر بویژه در میدان و ورودی شهر	W15
۷	۰.۰۶۴	۲.۱۲	۰.۰۳	انکای بیش از حد اجتماعات و مدیران محلی به دولت	W16
۱۰	۰.۰۵۵	۱.۸۲	۰.۰۳	ساخت و ساز چندین تفرجگاه در حریم رودخانه	W17
۲.۷۷۴				مجموع	

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

همچنین عوامل بیرونی مورد مطالعه نیز به دو بخش شامل فرصت‌ها و تهدیدها تقسیم می‌گردد که در مجموع شامل ۲۷ عامل می‌گردد؛ در این راستا همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد تعداد فرصت‌های شناسایی شده چهارده مورد بوده است که مهمترین آنها کسب شهرت در زمینه ورزش‌های هوایی (پاراگلایدر)، ظرفیت‌های فضای مجازی در معرفی و ارائه جاذبه‌ها، ظرفیت‌ها، برنامه‌ها و امکانات و ... گردشگری و امکان حضور گردشگران خارجی در مسابقات و جشنواره‌های ورزشی پاراگلایدر می‌باشد. همچنین در این زمینه سیزده تهدید شناسایی شد که مهمترین آن عبارتند از: عدم باور قوی و حمایت جدی از مقوله گردشگری در سطح کلان کشور، وجود مدیریت سیاسی در سطح استان و عدم نگاه یکسان به پتانسیل‌های نواحی، جذب نیروهای تحصیل کرده و متخصص ناحیه در شهرهای بزرگ اطراف و یا

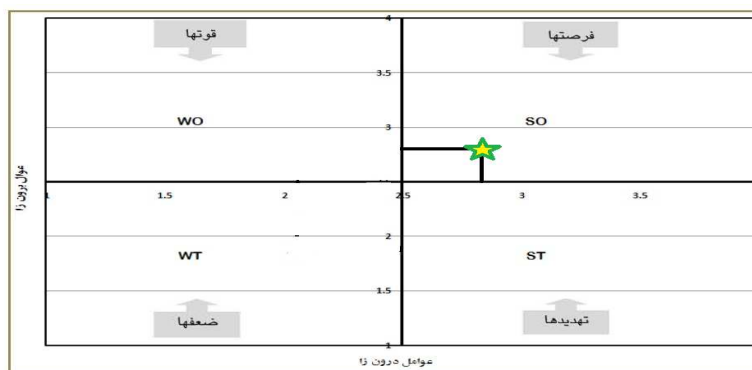
کلاشهرهای کشور. در نهایت، همانطور که در جدول ذیل مشاهده می‌گردد مجموع امتیاز عوامل بیرونی ۲.۷۷۶ می‌باشد.

جدول ۵. ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی موثر در زمینه انتخاب راهبرد برتر برای سناریوی مطلوب

رتبه	امتیاز وزنی	امتیاز	ضریب اهمیت	عوامل بیرونی	
۵	۰.۱۸۱	۳.۶۲	۰.۰۵	موقعیت نسبی شهرستان مینودشت به لحاظ واقع شدن در محور شمال به مشهد و مجاورت شهر گنبد	فرصت‌ها
۷	۰.۱۳۶	۳.۴	۰.۰۴	وجود الگوهای موفق توسعه گردشگری در داخل و خارج کشور	
۲	۰.۲۱۵	۳.۵۸	۰.۰۶	ظرفیت‌های فضای مجازی در معرفی و ارائه جاذبه‌ها، ظرفیت‌ها، برنامه‌ها و امکانات و ... گردشگری	
۶	۰.۱۷۴	۳.۴۸	۰.۰۵	امکان استفاده از ظرفیت‌های تجارت الکترونیک	
۳	۰.۱۸۵	۳.۷	۰.۰۵	امکان حضور گردشگران خارجی در مسابقات و جشنواره‌های ورزشی پاراگلاپدار	
۱	۰.۲۷۲	۳.۸۸	۰.۰۷	کسب شهرت در زمینه ورزش‌های هوایی (پاراگلاپدار)	
۱۰	۰.۱۰۶	۳.۵۲	۰.۰۳	پخش و پوشش خبری و رسانه‌ای رویدادهای مربوط به ورزش‌های هوایی	
۱۳	۰.۰۵۹	۲.۹۶	۰.۰۲	نزدیکی به فرودگاه کلاسه	
۱۲	۰.۰۶۳	۳.۱۶	۰.۰۲	امکان توسعه خط راه‌آهن شمال به شرق استان	
۸	۰.۱۲۰	۳	۰.۰۴	وجود سرمایه‌گذاران خصوصی در سطح ناحیه و استان	
۱۴	۰.۰۵۸	۲.۹	۰.۰۲	سابقه برگزاری نمایش‌های مرتبط با گردشگری در دانشگاه‌های اطراف ناحیه	
۹	۰.۱۰۹	۳.۶۴	۰.۰۳	امکان ایجاد تفرجگاه جدید با توجه به ساخت سد مینودشت	
۱۱	۰.۰۷۰	۳.۵	۰.۰۲	توسعه الگوی گردشگری خانه‌های دوم در نواحی روستایی	
۴	۰.۱۸۴	۳.۶۸	۰.۰۵	ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و حمایت از کار و اشتغال داخلی	
۱	۰.۱۵۲	۱.۹	۰.۰۸	عدم باور قوی و حمایت جدی از مقوله گردشگری در سطح کلان کشور	تهدیدها
۷	۰.۰۵۵	۱.۳۸	۰.۰۴	وجود رقبای جدی در زمینه گردشگری ورزش‌های هوایی در استان مانند شهر رامیان	
۱۳	۰.۰۱۶	۱.۶۲	۰.۰۱	وجود بروکراسی اداری شدید جهت اخذ مجوزهای برگزاری جشنواره‌های ورزش‌های هوایی	
۵	۰.۰۵۹	۱.۹۶	۰.۰۳	وجود چندین سایت گردشگری طبیعی در نواحی اطراف که رقابت تنگاتنگی با تفرجگاه‌های این شهرستان در جذب گردشگر دارند	
۲	۰.۱۲۲	۲.۰۴	۰.۰۶	وجود مدیریت سیاسی در سطح استان و عدم نگاه یکسان به پتانسیل‌های نواحی	
۴	۰.۰۷۶	۱.۹	۰.۰۴	مدیریت بخشی و ناهماهنگی سازمان‌ها در ارائه خدمات به گردشگران	
۱۱	۰.۰۳۶	۱.۸۲	۰.۰۲	روند رو به رشد صنایع در محورهای مواصلاتی به شهر و نازیبا کردن منظر ورودی	
۵	۰.۰۶۸	۲.۲۶	۰.۰۳	افزایش آلودگی‌های هوا و آلودگی‌های صوتی به واسطه افزایش تعداد صنایع	
۹	۰.۰۴۴	۲.۲۲	۰.۰۲	روند رو به رشد معادن و از بین رفتن منابع و چشم‌اندازهای طبیعی	
۱۲	۰.۰۲۳	۲.۳	۰.۰۱	امکان بروز باران‌های سیل‌آسا در فصول گرم سال	
۱۰	۰.۰۴۳	۲.۱۶	۰.۰۲	آتش‌سوزی‌های جنگل‌ها و مراتع	
۸	۰.۰۵۳	۱.۷۶	۰.۰۳	روند رو به رشد ساخت و ساز با تخریب اراضی کشاورزی	
۳	۰.۰۹۶	۱.۶	۰.۰۶	جذب نیروهای تحصیل کرده و متخصص در شهرهای بزرگ اطراف و یا کلاشهرها	
۲.۷۷۶				مجموع	

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

جهت تعیین راهبردهای بهینه و انتخاب راهبرد برتر از درون آن می‌بایست امتیاز وزنی ماتریس عوامل درونی و ماتریس عوامل بیرونی را بر روی نمودار سوات مشخص نمود و بدین ترتیب محل تلاقی این دو بر روی نمودار مدل سوات نوع استراتژی‌های بهینه خواهد بود. بر اساس یافته‌های این بخش محل تلاقی ماتریس عوامل درونی و بیرونی در زمینه سناریوی مطلوب محدود SO می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که استراتژی‌های بهینه جهت تحقق این سناریو استراتژی‌های تهاجمی می‌باشند که متکی بر قوت‌ها و فرصت‌ها هستند.



نمودار ۲. تعیین موقعیت راهبردهای بهینه در زمینه سناریوی مطلوب توسعه یکپارچه ناحیه‌ای در شهرستان مینودشت با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت راهبردهای تهاجمی در زمینه سناریوی اول بهینه‌ترین راهبردها می‌باشد که در این راستا ۵ راهبرد به شرح ذیل ارائه شده است:

- A. ایجاد قطب تفریحی، آموزشی و تخصصی ورزش‌های هوایی و مرکز برگزاری منظم جشنواره‌ها و مسابقات پاراگلایدر در سطح ملی و بین‌المللی با توجه به سابقه و حسن شهرت شهرستان مینودشت و تخصص‌گرایی روزافزون در حوزه ورزش‌های هوایی، وجود ورزشکاران و مربیان مجرب و صاحب‌عنوان در رشته پاراگلاید، برخورداری از چند مجموعه آموزشی و تفریحی چندین سایت مناسب ورزش‌های هوایی جهت آموزش و پروازهای تفریحی و همچنین با امکان استفاده از ظرفیت‌های تجارت الکترونیک (مانند فروشگاه‌های ارائه محصولات یا اطلاعات و خدمات و ... مورد نیاز این ورزش).
- B. حمایت از توسعه کارآفرینی در حوزه گردشگری طبیعت‌گرا با جذب سرمایه‌گذاران خصوصی در سطح ناحیه و استان و هدف‌گذاری در راستای بهبود کمی و کیفی سایت‌ها و تفرجگاهها با توجه ظرفیت‌های طبیعی موجود و موقعیت نسبی شهرستان مینودشت به لحاظ واقع شدن در محور شمال به مشهد و مجاورت با شهر گنبد (مادر شهر ناحیه).
- C. گسترش گردشگری کشاورزی با توجه به وجود چشم‌اندازهای مختلف کشاورزی و محصولات متنوع بخش کشاورزی (زراعی، باغی، دامی)
- D. ترویج و توسعه گردشگری شهری و همچنین حمایت از الگوی گردشگری خانه‌های دوم در نواحی روستایی با توجه به وجود روستاهای متنوع فراوان و وجود چندین روستای هدف گردشگری.
- E. ترکیب و توسعه گونه‌های گردشگری دارای پتانسیل (گردشگری طبیعی، ورزشی، سکونتگاهی و کشاورزی) در ناحیه به صورت یک پکیج گردشگری و معرفی و ارائه جاذبه‌ها، امکانات، برنامه‌ها و ... آن از طریق ظرفیت‌های فضای مجازی. در جهت انتخاب راهبرد برتر از میان راهبردهای فوق با استفاده از نظر ۱۲ تن از کارشناسان و متخصصان بومی این ناحیه - کارشناسان مرحله دلفی که همگی دارای تحصیلات بالایی کارشناسی بوده‌اند - و بر مبنای مقایسه زوجی در قالب مدل تحلیل سلسله مراتبی وزن نسبی هر یک از این راهبردها تعیین شد و براساس آن رتبه‌بندی صورت گرفت که در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. ماتریس مقایسه زوجی راهبردهای بهینه

راهبرد	A	B	C	D	E
وزن نسبی	۰.۲۳۲	۰.۲۴۷	۰.۰۳۴	۰.۱۶۹	۰.۳۱۸
رتبه	۳	۲	۵	۴	۱

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

همانطور که ملاحظه می‌گردد، راهبرد B که مبتنی بر ترکیب و توسعه گونه‌های گردشگری دارای پتانسیل در ناحیه به صورت یک پکیج گردشگری و معرفی و ارائه جاذبه‌ها، امکانات، برنامه‌ها و ... آن از طریق ظرفیت‌های فضای مجازی می‌باشد دارای بیشترین امتیاز است و بدین ترتیب می‌توان از آن به‌عنوان راهبرد برتر در زمینه توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری نام برد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توسعه یکپارچه ناحیه‌ای بر مبنای پیوندهای روستایی - شهری رویکردی است که در سالیان اخیر مطرح شده و مورد توجه فراوان قرار گرفته‌است. این رویکرد بویژه در نواحی که از سهم بالای جمعیت روستایی برخوردارند (همانند شهرستان مینودشت با دارا بودن ۶۲.۳۶ درصد جمعیت روستایی) بسیار مفید و راهگشا خواهد بود. در فرایند توسعه یکپارچه هر ناحیه‌ای عوامل مختلف و متعدد نقش دارند. در این راستا این تحقیق بر مبنای روش دلفی ۵۴ عامل را به عنوان عوامل موثر در فرایند توسعه یکپارچه ناحیه‌ای تشخیص می‌دهد؛ همچنین خروجی ماتریس اثرات متقابل با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک نشان می‌دهد که سیستم ناحیه مورد مطالعه از نوع ناپایدار بوده و بنابراین در آن می‌توان حداکثر ۵ عامل تاثیرگذار، دوجهی، مستقل، تاثیرپذیر و تنظیمی را دسته‌بندی دو دسته عوامل تاثیرگذار و دوجهی مهمترین عوامل در سیستم‌های ناپایدار می‌باشند. در این تحقیق این عوامل که می‌توان آنها را عوامل تاثیرگذار کلیدی در فرایند توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری نامید بدین شرح می‌باشند: الف. عوامل تاثیرگذار: مدیریت یکپارچه ناحیه‌ای، برنامه باوری و برنامه محوری، مدیریت مشارکتی، شرکت‌های دانش بنیان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، طرح‌های عمرانی و خدماتی دولتی، مراکز تحقیق و توسعه، کشت گلخانه‌ای، مکانیزاسیون، زیرساخت‌ها، شبکه حمل و نقل ناحیه‌ای، مدیران اجرایی؛ ب. عوامل دوجهی: امنیت، کارآفرینان، جمعیت، شبکه حمل و نقل برون ناحیه‌ای، بازارهای صادراتی، تجارت الکترونیک، سرمایه‌های بخش خصوصی، سرمایه و اعتبارات دولتی، واحدهای بانکی و مالی، صنایع تکمیلی، الگوهای سکونت، گردشگری طبیعی، گردشگری سکونتگاهی، گردشگری ورزشی، بازارهای محلی و نیروی کار فعال اقتصادی.

در نهایت، این تحقیق نتیجه‌گیری نمود که چنانچه بخواهیم به سمت توسعه یکپارچه ناحیه‌ای با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری حرکت کنیم آینده‌های محتمل و مطلوب ما می‌بایست به‌شدت از این عوامل تاثیرپذیرند و به بیان دیگر، در ساخت و طراحی سناریوهای آینده می‌بایست این عوامل به‌عنوان منطق نگاشت سناریوها مدنظر قرار گیرند. بر این اساس با استفاده از این عوامل ابتدا آینده‌های باورکردنی به تصویر کشیده شد و در ادامه از درون این آینده‌ها، آینده‌های محتمل تبیین شدند که در عمل این حالات، مینا و منطق نگاشت سناریوی مطلوب قرار گرفتند. متعاقب این بخش مرحله آخر تحقیق که مبتنی بر ارائه و انتخاب راهبرد برتر جهت سناریوی مطلوب با استفاده از ماتریس سوات انجام شد. در جهت تعیین راهبرد برتر ابتدا ماتریس عوامل داخلی و خارجی موثر بر تحقق سناریو مطلوب تهیه شد و بر اساس آن راهبردهای تهاجمی به‌عنوان راهبردهای بهینه مشخص گردیدند. همچنین راهبرد برتر در این زمینه مبتنی بر ترکیب و توسعه گونه‌های گردشگری دارای پتانسیل در ناحیه به صورت یک پکیج گردشگری و معرفی و ارائه جاذبه‌ها، امکانات، برنامه‌ها و ... آن از طریق ظرفیت‌های فضای مجازی معرفی شد.

کتابشناسی

۱. تقی‌زاد، فاطمه و منظر صرافی (۱۳۸۷)، راهبرد شبکه منطقه‌ای، چارچوبی برای توسعه منطقه‌ای در کشور، مجله پژوهش‌های علوم زمین، سال اول، شماره ۱؛
۲. حاجی، مهرانوش؛ شاه‌حسینی، محمدعلی؛ پورعزت، علی‌اصغر و عزت‌الله اصغری‌زاده (۱۳۹۳)، ارائه الگوی نظام‌مند برای انتخاب راهبرد استوار با رویکرد آینده پژوهانه، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال ششم، شماره بیست‌چهارم؛
۳. رحمانی‌فضلی، عبدالرضا؛ سعیدی، عباس و آرزو احمدوند (۱۳۹۴)، نقش سرمایه‌گذاری‌های شهری در توسعه روستایی، مورد: دهستان زاوود (بخش مرکزی شهرستان کامیاران)، فصلنامه جغرافیا، دور جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۶؛
۴. رضوانی، محمدرضا و سیده محبوبه شاه‌چراغ (۱۳۹۱)، پیوندهای روستایی - شهری، شبکه‌های مهاجرت و توسعه روستایی (مورد مطالعه: ناحیه دهلا، استان سمنان)، فصلنامه توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۱؛
۵. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۹)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران؛
۶. زالی، نادر (۱۳۹۰)، آینده‌نگاری راهبردی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای با رویکرد ستاریونیسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم؛
۷. سعیدی، عباس (۱۳۸۲)، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری: یک بررسی ادراکی، فصلنامه جغرافیا، نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۱؛
۸. سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، محیط، فضا و توسعه، بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستا شهری، فصلنامه مسکن و محیط، شماره ۱۳۱؛
۹. سعیدی، عباس (۱۳۹۲)، پیوستگی توسعه روستایی شهری در قالب منظومه‌های روستایی، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، سال دوم، شماره چهارم؛
۱۰. صدوق، سیدحسین و عباس سعیدی (۱۳۸۵)، نظام فضایی به مثابه جوهره مطالعات جغرافیایی، نشریه انجمن جغرافیا، سال چهارم، شماره ۱۰ و ۱۱؛
۱۱. علیزاده، عزیز؛ وحیدی مطلق، وحید و امیرناظمی (۱۳۸۹)، ستاریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، چاپ دوم؛
۱۲. فروزنده دهکردی؛ لطف‌الله، شیره‌پز آرانی؛ علی‌اصغر و سعیدرضا جندقیان بیدگلی (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای با استفاده از برنامه‌ریزی بر مبنای سناریوها (تبیین الگوی چشم‌انداز ناحیه کاشان)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره سوم؛
۱۳. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۰؛
14. Albrechts, L., Healey, P. & Kunzmann, K. R. (2003), Strategic Spatial Planning and Regional Governance in Europe, *Journal of the American Planning Association*, 69, (2), 113;
15. Dower, M., (2013), Rural development in the New Paradigm. In *New Paradigm in action successful partnerships*, edited by Maciej Kolczyński. Warsaw: Polish Ministry of Regional Development;
16. Global Monitoring Report, (2013), Rural-Urban Dynamics and the Millennium Development Goals. Washington DC: World Bank and International Monetary Fund;
17. Godet, A. J., Meunier, M. F., Roubelat, F. (2003), "Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method", AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2.0, AC/UNU, Washington, DC;
18. Lindgren, M and Hans B (2003), The link between future and strategy, First published 2003 by PALGRAVE MACMILLAN Houndmills, Basingstoke, Hampshire RG21 6XS and 175 Fifth Avenue, New York, N.Y. 10010;
19. OECD. (2013), Rural-Urban Partnerships: An Integrated Approach to Economic Development. OECD Rural Policy Reviews. Paris: OECD Publishing. http://www.oecd-ilibrary.org/urban-rural-and-regional-development/rural-urban-partnerships_9789264204812-en;
20. Rokhsarzadeh, E. Pourfeikoe, S.I, Ghorshi Mina Abad, M.b, (2014), The Analysis of Effective Factors on Rural-urban Linkages in Astara City, *International Journal of Management and Humanity Sciences*. Vol., 3 (2), 1334-1341, 2014 Available online at <http://www.ijmhsjournal.com>;
21. Sheng, Yap kioe, (2002), poverty alleviation throth rural-urban linkages; policy implications, Economic and Social commission for Asia and Pacific (ESCAP);
22. Schmidt, S. (2009), Land Use Planning Tools and Institutional Change in Germany: Recent Developments in Local and Regional Planning, *European Planning Studies*, 17, (12), 1907-1921;
23. World Bank. (2006), World Development Report: Equity and development. New York, NY: Oxford University Press.